

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

تأثیر مفهوم حکمی عدد ۱۱ در طراحی گنبد شاه نعمت‌الله ولی با تکیه بر حروف

ابجد

هادی شهامت^۱، عبدالکریم سلیمانی^۲

چکیده

اعداد و حکمت آنها به‌گونه‌ای رمزآلود و مقدس در معماری گذشته ایران، مؤثر بوده و در شکل‌گیری بسیاری از بناهای تاریخی نقشی کلیدی داشته است. فرهنگ، باورهای دینی، فلسفی و هنری هر ملتی در دل خود رازها و رمزهایی نهفته دارد که در صورت تجلی می‌توانند با ایفای نقش در قالب کالبدهایی هدفمند به خلق شگفتی‌هایی هنرمندانه به نام معماری بیانجامند. با ارزیابی و تحلیل حکمی رابطه بین حروف، اعداد و نقش آنها در باورها و اعتقادات طبقه خاصی از اهل سلوک می‌توان تأثیر شگرف مبتنی بر حکمت این نگاه خاص عرفانی را در شکل‌گیری کالبدی و خلق فرم‌هایی بسیار زیبا و نمادین مشاهده کرد، که اوج آن را در طراحی و اجرای متبحرانه گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی واقع در ماهان کرمان به روشی می‌توان دید. روش پژوهش مورد استفاده در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و نحوه گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از ارزیابی چگونگی شکل‌گیری گنبد شاه نعمت‌الله ولی نشان داد فشارهای اجتماعی، سیاسی و همچنین توجه به راز و رازداری در نزد رهروان طریقت در نزد معماران اهل سلوک، منجر به استفاده حکمی و رمزگونه از عدد یازده در معماری گنبد این بنا شده است. این امر از رابطه بین اعداد، حروف و تأثیر آنها در خلق معماری انسان مدار و مبتنی بر حکمت و معناگرایی پرده برمی‌دارد.

واژگان کلیدی: حکمت، عدد یازده، گنبد، گنبد شاه نعمت‌الله ولی.

^۱. دکتری معماری اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام.

^۲. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه باختر ایلام. karimsoleymani1356@gmail.com

مقدمه

علم عدد بر طبیعت حکم فرماست در حد راهی برای دریافتن طبیعت. اعداد خود نخستین پرکننده روح و اصل موجودات در دل طبیعت هستند. عدد ذکری است که در قلب و نفس آدمی از تکرر وحدت ناشی می‌شود. مفهوم عدد در اسلام همسان فیثاغورثی است که در آن اعداد، هستی‌هایی وجود دارد که هم کیفی و هم کمی‌اند، چنان نیستند که با سادگی با جمع و تفریق و ضرب و تقسیم شناسایی گردند. بی‌شک در میان اندیشمندان و فلاسفه و عرفای یونان باستان فیثاغورث یکی از حامیان و معتقدین به ارتباط تنگاتنگ بین اشیاء و اعداد است، چرا که امکانات اعداد به صورت ظاهر آن محدود نمی‌شود. هر عدد باطن یا ذاتی دارد که از دیگری متمایزش می‌کند. این باطن تجسمی از وحدت است که عدد را مداوماً به سرچشمه آن پیوند می‌دهد. عدد که به مفهوم فیثاغورثی‌اش از طریق شکل‌هایی در در عالم محسوس شناسایی می‌گردد، آن شکل‌ها را از طریق ذات‌هایشان به وحدت در می‌آورد. (اردلان و بختیار، ۱۳۷۹: ۲۵)

فیلسوفان و دانشمندانی نظیر فیثاغورث در یونان باستان بیست و پنج قرن پیش معتقد بودند که هر چیزی عدد است؛ آنها هر چیزی را به عدد ارجاع می‌دادند و به علم اعداد و کیفیت شکل‌گیری آنها اهمیت ویژه می‌دادند و درباره خواص و نظام آنها بحث می‌کردند که علم اعداد در دل آدمی کاشته شده و ارتباط با آن تنها نیازمند اندکی تأمل و تدبّر است. مکتب فیثاغورث یک مدرسه فلسفی نبود؛ بلکه یک مدرسه دینی و اخلاقی بود که براساس نظام صوفی‌گری بنا شده بود و از مهم‌ترین اعتقادات و باورهای این مکتب آن بود که همه پدیده‌های طبیعت در واقع، اعداد هستند و این اعدادند که ماهیت و شاکله درونی و ذاتی اشیاء را تشکیل می‌دهند. فیثاغورث با توجه ویژه و تأمل در موجودات جهان، به اعداد آنها پی برد و فیثاغوریون دریافتند که نغمه‌های الهی و جهان طبیعت، برپایه عدد بنا شده؛ چرا که انسجام طبیعت براساس عدد است (ذبیح‌نیاعمران و قیومی‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۶ - ۲۴). اعداد و حروف علاوه بر ظاهری مشخص و معین، در دل خود اسراری نهفته از اکثریت عامه دارند. راز اعداد و حروف شاید به درازای عمر بشر باشد و با این حال بشر امروزی هنوز نتوانسته است درباره بسیاری از اعداد و رابطه آنها با حروف، طبیعت و عالم امکان پرده‌گشایی از اسرار نمایند. اعداد نه فقط برای شمردن و نوشتن بلکه برای عوامل ما بعدالطبیعه و کم‌دسترس یا غیرقابل دسترس نیز به کار رفته‌اند. بسیاری دانشمندان و عرفا موفق به مطالعه یا کشف شهود از بعضی اعداد خاص گردیده و از خاصیت‌های گوناگون آنها استفاده‌های متفاوتی شده است. از آنجایی که خود معتقد به کشف شهودی اعداد، طبیعت و رازهای نهفته در دل حروف و طبیعت وجودی اشیاء و اسماء بوده ولی به علت در دسترس نبودن منابع مدون و میدانی در این خصوص با کمبودهایی در باب پژوهش مواجه بوده و از سوی دیگر تجربه به من آموخته است که اهل شهود زبان در نیام برده و دم فرو بسته و از اسرار شهودی که بر آنها حادث می‌شود گرده‌گشایی نکرده و عموم این اسرار همچنان ناشناخته و نامفهوم و رازآلود باقی مانده‌اند؛ یکی از آنها عدد ۱۱ است که علاوه بر کاربرد شمارشی در ریاضی، دربرگیرنده اشارات و مفاهیم عمیق عرفانی و معنوی بوده که با کشف شهود از آن توسط معماران گمنام این مرز و بوم به ذات اقدس الهی توجه خاص شده و با جسمیت بخشیدن به اعداد و حروف در قالب یک راز نهفته در حجم، با زبانی رازآلود در پی سخن گفتن با عاشقان این درگاه بوده‌اند که تجلی آن در گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی را می‌توان یافت.

گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی به عنوان یکی از اقطاب عرفانی سلسله نعمت‌اللهی سلطان علیشاهی گنابادی یا بهتر است بگوییم بنیان‌گذار این سلسله و بعنوان کسی که مورد توجه بسیار خاص سالکین و مریدان درگاه خویش بوده است برای ارج نهادن بر ارزش‌های معنوی این پیر طریقت از سوی مریدانی که در اثر تهدید و خشونت بی‌رحم حاکمان متوحش و چپاولگری که عمدتاً غیر ایرانی بوده یا از سرسپردگان خلفای بغداد بوده‌اند که برای پیش برد اهداف

دنیوی خویش از هیچ جنایتی کوتاهی ننموده، ناگزیر به کمک گرفتن از اعداد و حروف ابجد جهت طراحی بنای پیر طریقت خویش شده‌اند تا با زبان رمز آلود به گونه ای با مخاطبین و زائرین درگاه این پیر طریقت در قالب هیبتی دلربا و فریبنده سخن ها با پیر مغان عصر خویش داشته و... این موضوع و موضوعات مشابه از سوی مهران امروزی و نهادهای علمی و تحقیقاتی مورد بی‌مهری و کم توجهی قرار گرفته و موفق نشده‌ایم اسرار و قوت معماری خود را کشف و در راستای آیین ایران شهری و گسترش فرهنگ، تاریخ، تمدن و معماری انسان مدار و اخلاق گرای گذشته این آب و خاک تلاشهایی در سطح جهانی داشته باشیم تا جهانان را وادار به احترام نموده و در عصر تحلیل و فراموشی دنیای بیرحم مدرنیزم که بسان ارابه‌ای خون آشام، گستاخانه بر همه چیز و همه کس می‌تازد، قامت برافراشته و متکبر مدرنیزم را وادار کرده تا در برابر ادب و اخلاق نهفته شده در خشت خام ایرانی سر تعظیم فرود آورده و به دست و پای آن مهرازی گمنامی بی افتد که با نبوغی بی همتا و مبتنی بر باوری فرا زمینی و الهی، گردش گردون و معنویت در هستی را در قالب فرم و حجمی مبتنی بر توجه به انسان و خدا را تجلی بخشیده است. متأسفانه در این خصوص خلاء پژوهشی هویداست و می‌طلبد مطالعات بسیار گسترده‌ای توسط پژوهشگران جوان صورت گرفته تا که چراغ راه آیندگان به سرزمین و آرمان ایران شهری باشند.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر از یک سو کشف دلایل استفاده از راز و رمز در معماری بنا و گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی کرمان است. از سوی دیگر بیان اسرار مبتنی بر حکمت از دیگر اهدافی است که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته است. بر این مبنا و برای رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده، پرسش‌های محوری ذیل مطرح می‌شوند:

۱- چه دلایلی معماران و مهندسیین را به استفاده از رمز راز در طراحی گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی واداشته است؟

۲- معمار گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی از چه اصولی در راستای بیان رمز و راز سلوک عارفانه زمان خود بهره‌گیری کرده است؟

۳- نقش حکمی عدد ۱۱ و رابطه آن با حروف ابجد در طراحی گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تعاریف و مفاهیم: حکمت به مجموعه‌ای از تعالیم و آموزه‌های پایه‌ای و بنیادین درباره مبدأ و مرجع موجود و مناسب موجودات برای شناخت بهتر و حداکثری از آنها گفته شده و حقیقت درونی و نهفته در ذات انسان سرآغاز حکمت آدمی است (وثوق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۶). از نظر لغوی به معنی نوعی محکم‌کاری که در آن رخنه‌ای راه ندارد معنی دانایی در دانش و علم، بردباری، صبوری، راستی در گفتار، راستی در کردار و به برهان و غایت هر چیزی معنی شده است. در عرفان به شناسایی حق و فرا گرفتن علوم شرعی و علوم طریقت و حقیقت نیز معنا شده است. به نیز معنا شده است (صفاران، ۱۳۸۹: ۷).

عدد کلمه‌ای که خاصیت و قابلیت مشخص کردن مقدار افراد ابزارآلات و عناصر و اشیاء اطراف ما را دارد. یک موجود فرض شده که دارای خواص گوناگون در عمل است. در حالت خصوصی قابلیت تبدیل شدن به اعداد حقیقی را داراست. بعنوان نمونه؛ عدد یک، یادآور ذات اقدس الهی بوده و در افسانه‌ها نشان از اعتقاد به وجودی برتر و نشان از جایگاه وحدانیت و زوال‌گریزی همه موجودات غیر از نیروی برتر در این جهان فانی است. در ایران باستان، عدد دو در مبارزه اهورامزدا و اهریمن جلوه‌گر می‌شود. این عدد با جدال شب و روز به عنوان دوجه از روزگاران و نیز با دو

جهان، یکی زمینی و دیگری ماورایی مرتبط می‌باشد. عدد سه تداعی‌کننده (تولد، زندگی، مرگ)، (آغاز، میان، پایان) و (گذشته، حال، آینده) است. (خدا، شاه، پهلوان). آژی دهاک سه سر داشت و جامعه طبقاتی سه‌گانه بود: موبدان، ارتشداران و کشاورزان. پندا رنیک، گفتار نیک و کردار نیک. عدد چهار، ۴۳۸ بار در افسانه‌های ایرانی تکرار شده است. یکی از کامل‌ترین اعدادی است که به بی‌نظمی و کثرت آشفته موجود در جهان نظم می‌بخشد و آن‌ها را به اشکال ثابت و منظم تبدیل می‌کند. عدد پنج در زبان فارسی ارزش کنایه‌ای دارد مانند: پنج ارکان (اصول دین اسلام)، پنج انگشت، پنج ضلعی، پنج دری، پنج تن آل‌عبا (ذبیح‌نیاعمران و قیومی‌زاده؛ ۱۳۹۶: ۳۶-۲۹).

گنبد در گذشته سرزمین ایران، یکی از عناصر کالبدی مهم برای پوشش سقف بناها محسوب می‌شود. پیرنیا (۱۳۸۴) گنبد را هدیه معماری ایران به جهان معماری می‌داند. اردلان (۱۳۷۹) گنبد را شکلی می‌داند واجد تصویرپردازی زنده و حیاتی، اندیشه‌ای است که به امکانات میانجی ماده تجلی می‌یابد (اردلان و بختیار، ۱۳۷۹: ۷۵). در فرهنگ دهخدا نوعی از عمارت باشد مدور که از خشت و گل و آجر پوشند (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۵). و در فرهنگ معین؛ قبه و برآمدگی بالایی معابد گفته شده است (معین، ۱۳۸۶: ج ۵). گنبدهای ایرانی به دلیل پیروی از اشکال هندسی خاص، دارای مقاومت ذاتی بالایی بوده، امروزه با استفاده از این ویژگی در پوسته‌های نازک بتنی رشد ویژه‌ای را پیدا کرده است. استاد پیرنیا در شماره‌های ۱۳۶ و ۱۳۷ هنر مردم ضمن تأکید بر دو پوش بودن گنبدهای ایرانی، متذکر می‌شود که پوشش زیرین همیشه به شکل نصف تخم‌مرغ بوده و از انواع شکل‌های رک (مخروطی و هرمی)، خاگی (تخم‌مرغی)، نار (پیازی) و شبدری پیروی می‌کرده است. وی گنبدها را به دو دسته پیوسته و گسسته تقسیم کنید؛ گنبدهای پیش از اسلام و گنبدهایی مانند سلطانیه، شیخ لطف‌الله و گنبد خاگی مسجد جامع اصفهان دو پوش پیوسته است چنان‌که گاهی دو پوسته، بی‌هیچ واسطه‌ای به هم متصل شده و گاهی هم‌فاصله میان آنها شیاره‌ای بوده است. او معتقد است گنبدهای گسسته گاهی دو پوشه در کلاله از هم فاصله می‌گیرد مانند گنبد جامع یزد و جامع گلپایگان و بیشتر گنبدهای قرن هفتم به بعد و گاه پوسته بیرونی با فاصله چشم‌گیری از گنبد زیرین استوار می‌گردد مانند گنبد مرقد امام رضا گنبد سهل ابن علی در آستانه اراک و مسجد مادر شاه اصفهان. پیش از اسلام به ارتفاع گنبد اهمیت بیشتری داده می‌شد و بعد از ورود اسلام به دلیل مردمی بودن معماری نسبت ارتفاع به دهانه‌ها کاهش یافت (مینویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).

گنبد شاه نعمت‌الله ولی: سیدنورالدین نعمت‌الله فرزند عبدالله بن محمد بن کمال‌الدین بن یحیی کوه بنانی کرمانی معروف به سید نورالدین، مشهور به (ولی)، مؤسس سلسله نعمت‌اللهیه، از عارفان مشهور قرن هشتم و نهم هجری و خودش در اشعارش فرموده است:

نعمت اللهم وز آل رسول محرم عارفان ربانی

نوزدهم جد من رسول خداست آشکار است نیست پنهانی

مدت زندگانی شاه نعمت‌الله ۱۰۴ سال ذکر شده است و خود او در موضعی به ۹۷ سالگی خود اشاره کرده است:

نود و هفت سال عمر خوش بنده را داد حی پاینده

در مصر و دیار مغرب و مکه و مدینه و بلخ و ماوراءالنهر به ویژه سمرقند سیاحت و اقامت کرد و با بزرگان و مشایخ آن نواحی دیدار نمود سپس به اطراف آن نواحی سفر کرد و سرانجام در کرمان ساکن شد و در رجب سال ۸۳۴ هـ. ق. بدرود حیات گفت و جسدش را در ماهان به خاک سپردند و بعدها به فرمان سلطان بهمنی پادشاه رکن بقعه‌ای بر گور او بنا کردند که آن بقعه و ضمایم آن هنوز باقی و زیارت‌گاه صوفیان سلسله نعمت‌اللهی است (نعمت‌پور؛ ۱۳۹۳: ۱۶).

رویکردها و نظریه‌های مرتبط با موضوع

در مورد موضوع گنبد در معماری بناهای ایرانی و نقش اعداد و حروف در روند طراحی و ساخت آنها و هم چنین میزان تأثیرپذیری بناهای متأثر از رابطه اعداد و حروف پژوهش‌های دامنه‌داری در دسترس نیست و تعیین زمان دقیق شناخت اعداد توسط انسان شاید ممکن نباشد، اما درک عدد یا تشخیص آن و همچنین عددشناسی مسلماً به زمانی قبل از به وجود آمدن عدد و شمارش برمی‌گردد؛ یعنی درک مفهوم افزایش و کاهش قبل از زمانی است که بشر شمارش یک، دو، سه، چهار و ... را یاد گرفته است و خیلی دور از ذهن نیست که بشر نخستین این توانایی را در تعامل و درک محیط اطرافش به دست آورده باشد. شمارش زمانی شروع می‌شود که آدمی نخستین با تصور ۲ را، به عنوان چیزی متمایز از یک و بیشتر از دو در ذهن می‌پروراند. شاید حتی باید قدمی عقب‌تر بگذاریم و بگوییم، شمارش زمانی شروع می‌شود که تصور یک به عنوان چیزی متمایز از بیشتر از یک شکل می‌گیرد. اگر این را نقطه سرآغاز بگذاریم، پرداخت تصور ۲ به عنوان چیزی متمایز گام بعدی است. در واقع شاید بتوان گفت که نوع بشر در یادگیری شمارش از سه مرحله گذر کرده است. در مرحله نخست، از انگشتان استفاده نمیشده و پیشرفت بسیار کند بوده؛ هیچ مفهوم متمایزی مشعر بر اعداد بزرگتر از دو یا سه شکل نگرفته است؛ همه چیزهای بیشتر از دو و سه، «خیلی» خوانده می‌شود. در مرحله دوم، از انگشت‌های دست و پا استفاده می‌شود، و شمارش را می‌توان تا ۱۰ یا ۲۰، یا شاید با استفاده از انگشتان شخصی اضافه، حتی کمی بیشتر هم ادامه داد؛ اما، کلمات معادل اعداد هنوز وضع نشده‌اند، به همین دلیل شمارش هنوز با ایما و اشاره نشان داده می‌شود. در مرحله سوم، نقش دلالت بر اعداد به کلمات یا عبارات توصیف‌کننده ایما و اشارات مورد استفاده در مرحله دوم داده می‌شود، و به مرور زمان این کلمات خودشان به خود کلمات اعداد تبدیل می‌شوند (شفیعی سرارودی و حسن‌نسب، ۱۳۹۶: ۵۵-۵۶).

در یونان باستان فلاسفه و حکای بزرگی چون فیثاغورث و همکارانش اعتقاد داشتند که همه نمودهای جهان، چه آسمانی و چه زمینی، انعکاسی از اعداد در عالم عینی هستند. فیثاغورثیان آن را بزرگترین معجزه خدایی از نوعی دیگر، الوهیت چندگانه و چشمه طبیعت و کلیددار طبیعت می‌دانستند. از طرفی افلاطون معتقد بود که اعداد، نشانه‌دهنده هماهنگی عالم هستند و شاگرد بزرگش ارسطو برخلاف استاد خود نظرش بر این بود که عدد، منشأ و جوهر همه چیز است. به عبارتی آنها اعداد را دارای شعور و خالق در نظر می‌گرفتند (حاجی‌عسکر و مؤمنی، ۱۳۹۲: ۲۴).

تنزل بخشیدن به اعداد عملی صرفاً کمی و میراث دنیای جدید است، و گرنه اعداد صرفاً کمیت‌هایی برای شمارش و محاسبه نیستند بلکه این کاربرد به نازل‌ترین سطح علم اعداد تعلق دارد. در سنت فرهنگ‌های بابلی، هندی و یونانی عدد اصل بنیادینی است که جهان عینی حاصل آن است، عدد منشأ همه چیزها و هماهنگی هستی در آن نهفته شده است. اعداد صرفاً کمیت نیستند بلکه کیفیتی نمادین به شمار می‌روند. در یونان اعداد فرد مذکور اعداد زوج مونث هستند. عدد در مرتبه تجسمی خود به هندسه تبدیل می‌شود. لذا اعداد نباید فقط در شمارش محصور گردند (و ثوق‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

اردلان معتقد است اعداد علاوه بر عدد بودنشان به عوالم گوناگونی اشاره داشته و هر کدامشان نماد و معرف یک رویکرد است. آنها به عالم ماده، عالم کبیر و ویژگی‌های خاص منطق ریاضی اشارات گوناگونی دارند. اعداد معرف اشکال هندسی، خالق، نفس، ماده، طبیعت، پیکره، مزاج حیوانی عناصر مادی و معنوی، فطرت انسان، اندام انسان، هماهنگی در زندگی و هستی، منفرد و مزدوج بودن، تأثیرگذاری بر موسیقی، تکامل، آغاز و بی‌نهایت و ... بوده و هستند که در جدول (۱) به‌طور مفصل مجموعه‌ای از آنها ارائه گردیده است.

جدول (۱): خلاصه دسته‌بندی مهمترین رویکردهای مرتبط با موضوع تحقیق

عدد	عالم کبیر	عالم صغیر	ویژگی‌های ریاضی
۰	ذات الهی	ذات الهی	
۱	خالق	خالق	اصل و ریشه همه اعداد
۲	عقل الهی	پیکر دو شقه	شمردن نیمی از اعداد
۳	نفس	مزاج حیوانی	هماهنگی، اولین عدد فرد، شمردن یک سوم اعداد
۴	ماده	طبايع ۴ گانه	ثبات، اولین عدد مجذور
۵	طبیعت	حواس پنجگانه	اواین عدد مندر
۶	جسم (پیکره)	۶ قوه حرکت در جهات ۶ گانه	اولین عدد کامل، تعداد سطوح یک مکعب
۷	عالم	نیروهای فعال	اولین عدد کامل
۸	طبايع	طبايع	اولین عدد مجذور و اولین عدد نت های موسیقی
۹	موجودات این جهانی	۹ عنصر بدن	اولین عدد مجذور کامل و آخرین عدد فرد
۱۰	عدد اولیه قدسی	فطرت اصلی بدن	عدد کامل، اولین عدد از ۲ عدد اولیه
۱۲	منطقه البروج	دوازده مخرج بدن	اولین عدد بی نهایت
۲۸	ایستگاه‌های ماه (تقسیم بر ۴ ربع)	۲۸ مهره پشت بدن	دومین عدد کامل
۳۶۰	تعداد روزهای سال خورشیدی	تعداد رگ های بدن	تعداد درجات یک دایره

مأخذ: اردلان؛ ۱۳۷۹: ۳۶.

عدد	هندسه	جهان اکبر	جهان اصغر
۰	استاتیک	ذات الهی	ذات الهی
۱		خالق	خالق
			واحد
			ازلی
			ابدی
			لايزال
۲		خرد	ذاتی
			جسم یا تقسیمات
			چپ
			دوتایی
			راست
۳		جان	نباتی
			سرشت حیوان
			افراط و تفریط
			و میانه
۴		ماده	اصیل
			طبايع حیوانی
			بلغم
			جسمی
			خون
			جهانی
			صفرای زرد
			مصنوعی
			صفرای سیاه
۵		طبیعت	اثر
			حواس پنجگانه
			بینایی
			آتش
			شنوایی

لامسه	هوا			
چشایی	آب			
بوایی	زمین			
بالا	شش قوه حرکت	بالا	جسم	۶
پایین	در شش جهت	پایین		
جلو		جلو		
عقب		عقب		
راست		راست		
چپ		چپ		
جذب	نیروهای فعال	هفت سیاره مرئی	عالم	۷
معاش		و هفت روز هفته		
هضم				
دفع				
تغذیه				
رشد				
تکوین				
سرد، خشک	صفات	سرد، خشک	صفات	۸
سرد، مرطوب		سرد، مرطوب		
گرم، مرطوب		گرم، مرطوب		
گرم، خشک		گرم، خشک		
استخوان‌ها، مغز، اعصاب، رگ‌ها، خون، گوشت، ناخن‌ها، مو	نه رکن بدن	معدنی گیاهی حیوانی (هر کدام از سه بخش تشکیل شده‌اند)	موجودات این جهان	۹
سر، گردن، سینه، معده، شکم، حفره‌ی صدری، حلقه‌ی لگن، خاصره، دو ران، دو پا	آرایش اصلی بدن	چهار موجود کامل نخست	ارکان چهارگانه قدسی	۱۰
دو چشم، دو سوراخ دماغ، دو گوش، دو پستان، یک دهان، یک ناف، دو مجرای دفع	دوازده دریچه بدن	گرم، خشک، زمین، جنوب، گرم، مرطوب، غرب، سرد، مرطوب، شمال	زودپاک حمل، اسد، قوس، ثور، سنبله، جدی، جوزا، میزان، دلو، سرطان، عقرب، حوت	۱۲
بیست و هشت ستون فقرات	هر ربع برابر است با یک هفته، هفت روز، نماد هفت سیاره	موقعیت‌های ماه (تقسیم‌بندی به چهار ربع)		۲۸

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جمع‌بندی از نظریه‌هایی که برای سوال پژوهش استفاده می‌شود:

به‌طور خلاصه عملکرد و کاربردهای گوناگون اعداد از جمله عالم صغیر، عالم کبیر، خاصیت‌های ریاضی و خاصیت‌های هندسی، رابطه، کنایه‌ای بودن در ادبیات فارسی، ستاره‌شناسی، شمارش، حال، آینده و... اشارات گوناگونی در انواع علوم از جمله معماری شده است که شرح مختصری از آنها در جداول بالا ارایه گردید، اعداد به خودی خود علاوه بر نقش شمارشی و مقیاسی و اندازه‌ای که دارند محتوایی فلسفی و فرازمینی و فرا معنایی بر دوش می‌کشند که باید کشف و ضبط گردند و از انواع کاربردهای آنها پرده‌گشایی شود تا که بیشتر مورد توجه انسان امروزی برای خلق هندسه و سازماندهی فرم و فضا جهت خدمت به انسان و شهری پایدار و انسانی توسعه طلب و توسعه یافته در سایر بخش‌های زندگی خصوصاً معماری و مهندسی صورت پذیرد. از این‌روی با نگاهی اجمالی به مجموعه اعداد پر تکرار متوجه می‌شویم این عدد ۱۱ است که کمتر یا اینکه بهتر است بگوییم اصلاً مورد توجه جامعه معماری نبوده تا از کاربردش در معماری گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی با تکیه بر حروف ابجد پرده‌گشایی گردد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر در رابطه با اعداد و حروف، مطالعاتی هرچند محدود صورت گرفته است از جمله این تحقیقات که جهت غنی بخشی به تحقیق حاضر، نقش مؤثر داشته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

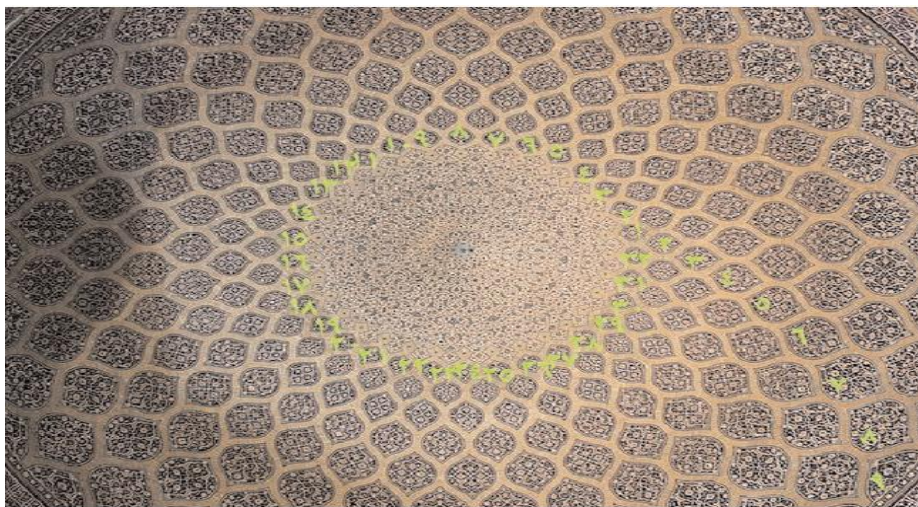
شفیعی سرارودی و حسن‌نسب (۱۳۹۶)، با پژوهش خود در مقاله‌ای تحت عنوان تجلی عدد چهار در نقوش سفالینه‌های پیش از تاریخ و با استفاده از روش تحقیق توصیفی به این نتایج دست می‌یابد؛ که حس عدد بصری انسان‌های نخستین به ندرت از چهار تجاوز می‌کرده است به این سبب، گمان می‌شود که احتمالاً چهار برای بشر نخستین نماد مقدار بسیار زیاد بوده و آنجا که سفالگر، نقش چهار را در سفالینه‌ها تصویر می‌کرده، به نوعی طلب کثرت و فراوانی منظور نظرش بوده است. همچنین همچنین رابطه بی‌واسطه انسان را با محیط و تأثیرپذیری ناشی از آن، مثلاً توجه به فصول چهارگانه نقش و اهمیت حیوانات چهارپا در زندگی، دلیل دیگر اهمیت چهار در باور آن مردمان ذکر کردیم. نقش رمزگونه‌هایی که انسان‌ها از دوران باستان برای اعداد به منظوره‌های مختلف قائل می‌شدند و اهمیت جادویی اعداد نزد آنان دلیل دیگری بود که این نگاه را متبلور می‌کرد.

سیاه کوهیان (۱۳۹۱)، با پژوهش خود در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر عرفان اسلامی بر معماری ایرانی با تأکید بر تزیینات گنبد سلطانیه و با استفاده از روش تحقیق توصیفی به این نتیجه دست یافت که کلمه مقدس «الله» در گوشه و کنار و بر دیوارهای گنبد سلطانیه تحت تأثیر مفاهیم عرفان و تصوف اسلامی بوده به طوری که در سقف ایوان غربی کلمه مقدس الله به چشم می‌خورد که یکبار در سمت راست به خط نسخ و بار دیگر در گوشه چپ به خط کوفی گچ بری شده است، در عرفان و تصوف ایران و اسلامی هدف عارف رسیدن به حق از طریق ماسوی الله است. کاربرد صرف کلمه الله ناظر بر یکی از کلمه‌های تصوف و عرفان اسلامی یعنی اصل وحدت وجود است و به قول سعدی «دلبرا پیش وجودت همه خوبان عدمند».

حاجی و مومنی (۱۳۹۲) در مقاله ای تحت عنوان تجلی عدد ۴ در طرح معماری آتشکده‌های ایران با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به این نتایج دست یافته که معماری آتشکده‌های دوره ساسانی ناشی از کاربرد عدد چهار، تعداد ستون‌ها و قداست عدد چهار در پلان‌های چهار گوش (مربع شکل) بوده به خوبی پیدا و فضاهای مختلفی همچون گنبدخانه، محل قرارگیری آتش مقدس، گنج‌خانه و دیگر فضاهای آن، همه با پلانی چهار ضلعی شکل گرفته‌اند. بکارگیری چهار ورودی در چهار سمت بنا با چهار بازو با دید باز که سبب گشادگی و سبکی فضایی آتشکده‌ها در دوره پیش از اسلام و دوران طلایی این سرزمین است که حاکی از احترام زرتشتیان به عدد ۴ می‌باشد. از سوی دیگر شکل اندیشمندانه تقدس عدد چهار در راستایی عمودی متجلی گشته و با قرارگیری گنبد و سقف بر روی چهار ستون در آتشکده‌ها نمادی از چهار عنصر نگهدارنده زمین می‌باشد.

وثوق‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان حکمت عدد هشت در هنر و معماری اسلامی با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافتند که عالم مثال، واسط میان عالم محسوس و معقول است؛ عدد صورتی را به خود اختصاص می‌دهد که در میانه این دو عالم تعریف می‌گردد. با تطبیق شکل دایره بر عالم معقول و شکل مربع بر عالم محسوس، شکل و عدد عالم مثال حد واسط دایره و مربع خواهد بود. از میان شکل‌های هندسی که در میان این دو فرم قابلیت تعرف دارند، هشت وجهی گویاترین فرم به شمار می‌رود که اشارت شیخ اشراق به اقلیم هشتم و آیت قرآن که حاملان عرش را هشت فرشته بر می‌شمارد، می‌تواند مؤید این نظریه باشد. اگر فرم عالم مثال را هشت وجهی بدانیم، به پایه‌ی گنبدهای مساجد می‌رسیم که واسط میان گنبد به آسمان بوده و بنا به عنوان زمین محسوب می‌گردد. بنابر این به نظر می‌رسد که معماران در کاربرد عدد هشت و هندسه هشت وجهی در کالبد معماری، به معنی رمزی عالم مثال و اقلیم هشتم نظر داشته‌اند.

میرزاخانین و شاهرودی (۱۳۹۳) با پژوهش خود در مقاله‌ای تحت عنوان حکمت اعداد در تزیینات و ساختار مسجد شیخ لطف‌الله با تکیه بر حروف ابجد با استفاده از روش تحقیق توصیفی به این نتیجه دست یافتند که شیوه ترسیم نقوش در گنبد مسجد شیخ لطف‌الله به این صورت است که شمس‌ای در وسط قرار دارد و بعد از شمس ۸ یا به عبارتی ۹ حلقه به دور شمس قرار گرفته و در هر حلقه ۳۲ حرف شبیه پر طاووس وجود دارد که هر حلقه به سمت بیرون بزرگتر می‌شود. که برابر با شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱): بررسی نقوش گنبد مسجد شیخ لطف‌الله

منبع: میرزاخانین و شاهرودی؛ ۱۳۹۳: ۳۵.

حکمت این عدد بر می‌گردد به سوره ۳۲ از قرآن یعنی سوره سجده که با بررسی حروف ابجد کلمه سجده (س ۶۰، ج ۳، د ۴، هـ ۵) به عددی برابر با ۷۲ خواهیم رسید که حاصل جمع اعداد ۷ و ۲، عدد ۹ خواهد بود از سوی دیگر انسان تنها موجودی است که خداوند پس از خلق او از فرشتگان خواست که بر او سجده کنند. کلمه انسان مطابق محاسبه اعداد و حروف ابجد (الف ۱، ن ۵۰، س ۶۰، الف ۱، ن ۵۰) معادل ۱۶۲ می‌باشد که در جمع عددی $(۹=۲+۶+۱)$ آن عدد ۹ حاصل می‌شود. حال اگر برای به دست آوردن کل نقوش گنبد حاصل ضرب ۹ (تعداد حلقه‌های نقوش زیر گنبد) را در عدد ۳۲ (تعداد نقوش در هر ردیف) حساب کنیم عدد ۲۸۸ به دست می‌آید. اگر جمع اعداد ۲۸۸ را حساب کنیم $(۲+۸+۸+۸+۱۸)$ می‌شود ۱۸ که مجدداً حاصل جمع ۱ و ۸ عدد ۹ خواهد بود. همچنین اگر عبارت شمس که تزیین زیبای مرکز گنبد شیخ لطف‌الله است، را بر اساس حروف ابجد (ش ۳۰۰، م ۴۰، س ۵۰، هـ ۵) را محاسبه کنیم عدد ۴۰۵ بدست می‌آید که مجدداً مجموع آن $(۹=۴+۰+۵)$ عدد ۹ است.

پس از بررسی این پژوهش‌ها نکات ذیل قابل طرح است:

- ۱- بسیاری از اعداد رویکرد واحدی در شناخت عالم معقول و عالم محسوس دارند.
- ۲- رابطه مشترک بسیاری از اعداد با هندسه و اشکال هندسی غیر قابل انکار است.
- ۳- رویکرد عرفانی و معنوی اعداد در تولید نقوش و اشکال هندسی گوناگون متجلی شده است.
- ۴- عموم اعداد علاوه بر کاربرد شمارشی، رویکردهای متفاوت و رمزگونه‌ای با خود به همراه داشته که هنوز بسیاری از آن‌ها رمز گشایی نشده‌اند.

مواد و روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و نحوه گردآوری داده‌ها به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای به ارزیابی و تحلیل حکمی رابطه بین حروف، اعداد و نقش آنها در باور و اعتقاد سالکین بر طراحی گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی مورد مطالعه قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پاسخ به سوالات پژوهش

پاسخ سوال اول: بی‌شک در طول تاریخ تصوف جامعه عرفانی ایران و عرفای بزرگ به روش‌های گوناگون مورد ظلم ظالمان و جور حاکمان بوده و این گروه خاص همیشه به عنوان یک اقلیت مذهبی مورد بی‌مهری و بی‌میلی جامعه و دین رسمی جامعه ایرانی بوده‌اند. متأسفانه در ایش زرتشتی که توسط حضرت زرتشت یا نمایندگان آن حضرت که مشایخ زرتشتی بوده و از طرف آن قطب بزرگوار اجازه دستگیری به درویش زرتشتی را داشته‌اند توسط فقها و مغها و موبدانی که با روشن نگه داشتن آتشکده‌ها (شریعت) حفظ کرده و آتشکده دل را (طریقت) در خاموشی مطلق برده بودند مورد حمله قرار می‌گرفتند و آنها را به مانند شیعیان بعد از حمله اعراب به ایران رافضی دانسته و دشمن خیانت را بر پهلوی دل‌های پاک این رهروان راستین طریقت فرو برده تا که منافع دنیوی و اعتقادی آنها مورد کوچکترین راستی آزمایشی در بین خلق خدا قرار نگیرد و در طول تاریخ این سرزمین این واقعیت تلخ، رنج‌نامه است که به ذکر چند نمونه

از آن خواهیم پرداخت؛ بعد از ورود اعراب به ایران هم‌زیستی و رابطه متقابلی که بین روسای قبایل حاکم بر ایران و خلیفه بغداد برقرار بود از خدمات قدرت‌های نظامی جهت از بین بردن مدعیان و مخالفین داخلی با خلیفه بغداد نشأت می‌گرفت. از جمله این مخالفین می‌توان از شیعیان، اسماعیلیه، قرامطه، فاطمیان و معتزله نام برد. گروه‌های شیعه پیوسته از طرف سلسله‌های ایرانی مورد حمایت خلیفه به شدت سرکوب می‌شدند. حکومت‌هایی که از قرن یازدهم به بعد توسط قبایل آسیای مرکزی روی کار آمدند سنی مذهب بودند و اکثراً در گرایش‌های دینی خود به بغداد، راه افراط را پیموده و تعصب زیادی از خودشان نشان می‌دادند. سلطان محمود در «فتح‌نامه‌ای» که پس از فتح ری برای خلیفه در بغداد ارسال می‌دارد می‌نویسد که: (ایزد تعالی دست ظلمه را از این بلاد کوتاه کرده است و آن را از فعالیت ملحدان باطنیه و بدعت گزاران بدکردار (یعنی مخالفین بغداد از جمله شیعیان پاک ساخته است). سپس به شرح مفصل اعمال غیرشرعی مخالفین خلیفه و استیلای روافض (شیعیان) بر قلمرو خلیفه می‌پردازد و در خاتمه به خود مباحثات می‌کند که: «این ناحیه را از داعیان اسماعیلی و معتزلیان و رهبران غلات شیعی خالی ساخته و کمک گردید تا مقصود سنت به پیروزی برسد. بنده ساعیان عازم شدم تا آنچه ایزد تعالی از قدرت به او داده است در جهت فیروزی آن خاندان غالب (عباسیان) به کار گیرد» (زیبا کلام، ۱۳۷۹: ۱۹۱ و ۱۹۰). «سلطان محمود در در مذهب حنفی بسیار متعصب بود و با پیروان دیگر مذاهب و فلاسفه و اندیشمندان با شدت و سختی عمل کرده و جمع کثیری را به اتهام بد دینی به قتل رساند. از جمله بعد از آن که مجدالدوله ... پس از شکست از سپاهیان محمود، دستگیر و اسیر شد، جمعی از یاران او را به اتهام باطنی بودن و دشمنی با عباسیان به دار آویخت و عده‌ای را تبعید کرد و کلیه کتب فلسفی، نجومی و آثار مربوط به مذاهب اعتزالی، کتابخانه مجدالدوله را سوزاند و بقیه آنان را که صد بار شتر کتاب بود، به تصاحب درآورد ... در زمان او تعقیب و قتل افراد به اتهام داشتن عقاید مذهبی و فلسفی که از ناحیه حکومت ممنوع اعلام گردیده بود آغاز گردید. سلطان محمود بسیاری از افراد را به این اتهام به قتل رساند و کتب بسیاری را در زمینه‌های فلسفه، نجوم و مذاهب مخالف رای حکومت را به آتش کشید و از میان برد» (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۲۵۹). بدون تردید بیشترین و حادثترین مخالفت‌ها با علوم و فلسفه و عرفان شیعی در حوزه بغداد و شرق امپراطوری اسلام ظاهر گردید. از جمله مظاهر این روند وارد آوردن اتهام کفر و بی‌دینی به دانشمندان بود: «در میان دانشمندان قرن چهارم و پنجم و ششم (دهم، یازدهم و دوازدهم میلادی) کمتر کسی را می‌توان یافت که از اتهام به کفر و زندقه و الحاد بر کنار نبوده باشد ...». دامنه اتهام به کفر و بی‌دینی فقط محدود به امثال ابوعلی سینا و فارابی نبود بلکه ابوریحان بیرونی نیز متهم به الحاد شد و خیام برای اثبات دین‌داری‌اش به مکه رفت. دانشگاه و رصدخانه سمرقند بعد از مرگ پادشاه علم دوست، الغ بیگ که در قرن پانزدهم تأسیس شده بود و به گفته «تاریخ علم کمبریج» بزرگترین رصدخانه جهان در عصر خودش بود در قرن شانزدهم به دست متعصبان مذهبی افتاد و با خاک یکسان شد. همچنین علم هندسه نیز مکروه و اشتغال به آن مایه گمراهی اعلام گردید و مهندسین، احمق خوانده شدند (زیبا کلام، ۱۳۷۹: ۲۵۹). بعد از مرگ شاه نعمت‌الله، جانشینان وی، از آنجا که فضای مذهبی حاکم بر ایران او آخر عصر صفوی را مناسب با توسعه و ترویج تعالیم صوفیانه ندیدند و توسط فقهای شیعی عهد صفوی مورد انواع تهمت و تعدی ناروا قرار می‌گرفتند، ناچار به هندوستان مهاجرت کرده و در حیدرآباد دکن اقامت گزیدند و این اقامت با ورود مجدد طریقت نعمت‌اللهیه در زمان قاجار به عرصه اجتماعی جامعه ایران، باعث ایجاد اصطکاک و برخورد میان این طریقت، با دو گروه قدرتمند دیگر حاضر در عرصه، یعنی فقهای شیعه و شاهان قاجار گردید (پیروان، ۱۳۹۳: ۲). به عنوان مثال رویکرد پادشاهان قاجار با سلسله نعمت‌اللهیه در اولین سال سلطنت فتحعلی‌شاه، سخت‌ترین روزهای طریقت نعمت‌اللهیه را رقم زد. فتحعلی‌شاه، برخلاف آقامحمدخان که مشروعیت خود را به نوعی، با شمشیر به دست آورده بود،

برای برقراری آرامش و امنیت در مملکت، در جستجوی کسب مشروعیت از نوعی دیگر بود، و از این رو به روحانیت شیعه ارادت عجیبی پیدا کرد. به همین جهت در برآورده کردن خواسته‌های ایشان، از جمله دشمنی با صوفیان نعمت‌اللهی، با علما همراه گردید. در واقع، فتحعلی‌شاه دشمنی با صوفیان نعمت‌اللهیه را از جنس کارهای مهم مملکتی می‌دانست و اگر نگوییم بیشتر از خود علما در دفع این طایفه مصمم بود، مسلماً کمتر از ایشان به این امر اهتمام نداشت. او خود دستور داد معطر علیشاه، از مشایخ سلسله راه، که در کرمان میدانی به دورش گرد آمده بود، به تهران آورند و چنان او را چوب و تبریزین زدند که جان داد. جد و جهد فتحعلی‌شاه در نابودی این سلسله، تا آنجا بود که به شاهزادگان قاجار و عمال حکومتی هم که به ایشان متمایل می‌شدند، رحمی نمی‌کرد (همان، ۱۳۹۳: ۴-۵).

(رویکرد علمای عصر فتحعلی‌شاه به نعمت‌اللهیه): در تاریخ فقه شیعه، همواره مخالفت‌ها و دشمنی‌هایی از طرف علما و فقهای شیعه، در برابر معتقدین به مرام صوفیانه انجام گرفته است. این دشمنی‌ها از عهد صفوی که شیعه در ایران رسمیت یافت، به ویژه در بعد نظری، شدت و قوت بیشتری گرفت. فقهای همچون محقق کرکی، مقدس اردبیلی، علی بن احمد بن حسن بن زین، ملا محمدطاهر قمی و در نهایت علامه محمدباقر مجلسی تصوف و مسلک ایشان را خارج از شریعت شیعه معرفی کرده و محصول این مخالفت‌ها در نهایت، به خروج بسیاری از صوفیان از ایران و یا در کنج عزلت خزیدن ایشان انجامید. این روند همچنان ادامه داشت؛ تا اینکه بزرگان و صوفیان نعمت‌اللهی چندسالی پیش از به تخت نشستن شاهان قاجار، وارد ایران شدند و درگیری‌ها دوباره آغاز شد. اولین رویارویی بین علمای شیعه و صوفیه نعمت‌اللهیه، در حکومت کریمخان زند و با آمدن معصوم علیشاه به شیراز، توسط فقهای شیراز انجام گرفت، که در نهایت به اخراج صوفیان از آن شهر انجامید. این صوفیان، از شیراز به اصفهان رفتند و آنجا هم با اعتراض علمای اصفهان مواجه شدند و اسیر، تبعید و شکنجه گردیدند. مخالفت علماء از ورود نعمت‌اللهیه به ایران، در عصر کریمخان زند تا پیش از عصر فتحعلی‌شاه، تنها محدود به مبارزه عملی می‌شد و علمای برجسته شیعه هم در این برهه در باب صوفیان، ابراز عقیده‌ای نکرده بودند؛ اما در عصر فتحعلی‌شاه که حمایت همه‌جانبه‌ای از طیف علما صورت می‌گرفت، و همچنین حضور عالم برجسته‌ای همچون آقا محمدعلی بهبهانی با مشی سرسختانه ضد صوفیه، مبارزه روحانیت شیعه در هر دو جبهه عملی و نظری به جدیت دنبال گردید (همان، ۱۳۹۳: ۴، ۵، ۹).

بی‌شک مواردی که در بالا آمد نمونه بسیار کوچکی از خشونت عریان متعصبین و منحرفین و دگم اندیشان در برخورد و مخالفت خود با اهل تشیع بوده است و بی‌ربط نگفته‌ایم اگر مدعی شویم که مهران، مهندسین، اهل فضل و عرفان از سر جبر و ناچاری و به قصد جان سالم به در بردن از بلای خانمان‌سوز متعصبین و منادیان بهشت اجباری سنت جبارانه صادر شده از دارالخلافه، برای پیش‌برد اهداف و عقاید و حفظ باورهای اعتقادی خود به رموز، اسرار، ابداع، کشف و استفاده از رابطه حکمی اعداد و حروف ابجد شده بلکه با رعایت احتیاط و عبور از آن بزنگاه‌های بی‌رحم تاریخی دست به ابداع و تولید دانش و هندسه و معماری زده باشند و بی‌گمان مقبره شاه نعمت‌الله ولی بعنوان یکی از اقطاب جلیله سلسله عرفانی نعمت‌اللهی گنابادی، شیعی و دوازده امامی نمی‌توانسته از این قضیه مستثنی باشد و در صورت برملا شدن راز نهفته در معماری گنبد این مقبره یقیناً از تیغ بیرحم چپاول و غارت مخالفین اهل عرفان اصیل ایرانی در امان نمی‌ماند و تخریب می‌شد.

ضمناً لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۸۴ حسینییه شریعت واقع در شهر قم توسط نهادهای امنیتی با استفاده از لودر به طور کامل تخریب گردید و ۱۲۰۰ نفر از دراویش گنابادی این سلسله بازداشت و مورد حملات بسیار شدیدی قرار گرفتند (روزنامه شرق، ۱۳۸۴)؛ همچنین در سال ۱۳۸۷ حسینییه تخت فولاد اصفهان با لودر تخریب گردید؛ (مجدوبان

نور، ۱۳۸۷) و در سال ۱۳۸۶ نیز حسینیہ بروجرد توسط نیروهای خودسر، بسیجی و امنیتی و به کمک بعضی از فقهای شیعی به طور کامل تخریب گردید و حدود ۱۸۰ نفر از درویش توسط عوامل امنیتی دستگیر شدند و طی این سالها بسیاری از پیروان طریقت نعمت‌اللهیه به حبس‌های طولانی، تبعید و انواع جرایم گوناگون محکوم گردیده‌اند (همان، ۱۳۸۶). موارد فوق‌الذکر گوشه کوچکی از رنج‌نامه طولانی است که سالها بر پیروان این سلسله روا شده است و بی‌دلیل نگفته‌ایم اگر مدعی باشیم که جبر تاریخی و دگم‌اندیشی بسیاری حکام در طول تاریخ عامل بزرگی بر ایجاد راز و رازداری و مخفی ماندن مفاهیم عمیق عرفانی با رویکرد معماری نزد بزرگان این سلسله بوده است.

پاسخ سوال دوم: راز، در بین عامه مردم به معنی پوشیده و پنهان است. راز، رابطه‌ای پوشیده بین مراد و مرید، کیفیت درونی بین عابد و معبود، شور و سرمستی بین عاشق و معشوق و خدای و بنده که سالکان طریقت آن کیفیت درونی را درک کرده چرا که در حلقه دام بلا افتاده‌اند. در بین شعرا و عرفا و اهل سلوک به زبان‌های گوناگون در باب آن سخن به میان آمده است.

در باب صحبت، سر و کتمان سر در بسیاری از کتب اهل عرفان توصیه اکید بر سکوت و رازداری شده: «سالک باید نعمت منعم را در نظر داشته، شاکر و سپاسگزار باشد مخصوصاً نعمت «هدایت» و ایمان را قدردان و واسطه فیض را از دل دور ندارد؛ امر ولایت و طریقت راجع به قلب است نه جوارح و بسته به سر است، و سینه به سینه رسیده، و در کتب نوشته نشده است و اصول آن به لفظ در نیاید بلکه آنچه گفته و نوشته شود پنهان‌تر گردد و چون اثر در امر ولی و فرمان شخص ولی است، عمل بر نوشته نتیجه نبخشد و اسرار دیانت را باید محفوظ داشت خصوصاً آنچه را امر به کتمان شده و در عهد گرفته است (صالح علیشاه، ۱۳۷۶: ۳۳، ۳۶، ۳۷).

«می‌گویند وقتی یک تن از علما بر کلام بایزید اعتراض کرد که این سخن با (علم) موافق نیست شیخ پرسید آیا تو بر کل علم دست یافته‌ای؟ گفت نه، این سخن ما آن پاره از (علم) دارد که به تو نرسیده است. به یک فقیه دیگری که از وی پرسید علم خود را از کی و از کجا گرفته‌ای پاسخ داد از عطای ایزدی. در یک مجلس که وی حاضر بود گفته شد فلانی روایت از فلان می‌کند و فلان از بهمان. بایزید گفت مسکین‌اند مرده از مرده علم گرفته‌اند و ما علم خویش از آن زنده گرفته‌ایم که نمی‌میرد» (زرین‌کوب؛ ۱۳۷۹: ۳۸).

عارفان و قلندران؛ رازداری را طریق رستگاری و خاموشی را لازمه استماع کلام الهی دانسته‌اند. شاعر شوریده بلخ وقتی نعره‌های مستانه می‌زند، خاموشانه است و شگفتی اینکه وی در خاموشی، نعره می‌زند تا به درون هر گوش در نرود و بر دیگ وفا سرپوش می‌نهد تا دماغ هر خام از آن بو نبرد:

ما نعره به شب ز نیم و خاموش تا در نرود درون هر گوش

تا بو نبرد دماغ هر خام بر دیگ وفا نهیم سرپوش

به اعتقاد مولوی طوطی جان با خاموشی تا آشیانه دوست به پرواز در می‌آید. و وقتی از چندی و چونی هستی آگاهی یافت، نباید آنها را بر زبان آورد. وی در مثنوی در داستان نضوح به تحلیل این موضوع می‌پردازد و در جایی گوید:

عارفان که جام حق نوشیده‌اند رازها دانسته و پوشیده‌اند

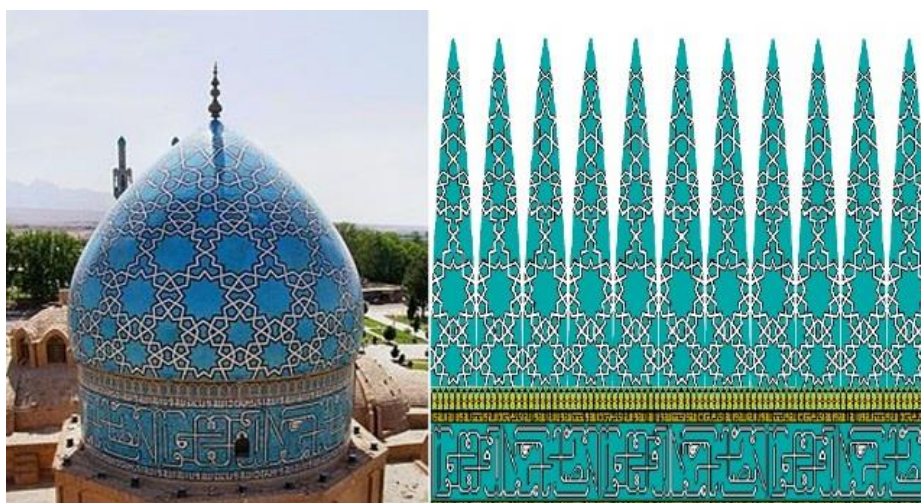
هر کرا اسرار کار آموختند مهر کردند و دهانش دوختند

او کسانی را محرم می‌داند که به حقایق زندگی و رموز هستی دست یافته و لب آن را درک کرده‌اند؛ چنان که باد حمال سلیمان می‌شود؛ بحر با موسی سخندانی می‌کند، نار برای ابراهیم نسرین می‌شود و سنگ بر احمد سلام می‌کند اما نامحرمان، محروم از حقایق و رموز زندگی‌اند و به همین دلیل به دور از اسرار هستی:

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم با شما نامحرمان ما ناخوشیم (پیروز و باقری خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۹، ۲۰، ۲۲).

مولوی این اعجوبه بی‌همتای مشرق زمین به زیبایی وصف‌ناپذیری جان مطلب را ادا می‌کند کلامش چنان دلربا و فریبنده طنازی می‌کند که جان هر جنبنده‌ای را به وجد آورده و دل هر رازداری را به آتش نیستان می‌کشد، این یگانه معمار رازداری، سکوت، سلوک و دم فرو بستن؛ بی‌بدیل و بی‌همتا سالک را به وادی حیرانی کشانده و به سمت و سوی کشف شهود تا بیکرانه‌های عالم سرگشتگی برده تا رهرو حقیقت به پاس احترام به مراد خویش مریدانه به کلمات جسمیت بخشیده و در کالبدی زیبا به نام گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی که این همه مورد احترام مریدانش بوده، رازی را بر بلندای قامت آن گنبد نازنین سروده و گلی از باغچه وجودش در هیبتی نهانی بر پیشانی آن بنای نازنین بکارد تا که آرامگاه مرادش از تیر بی‌رحم متعصبین و دگم‌اندیشان و جزم‌اندیشانی که در بالا به گوشه‌ای از سخت‌گیری و دگراندیش کشی آنها اشاره شد در امان بماند و این است هنر مهرازی که پا در وادی حقیقت و حضرت دوست نهاده که اینگونه سری را در جلوی دیدگان همه بر قامت بلند گنبدخانه مرادش می‌نهد. بی‌شک مهراز ایرانی با کمک گرفتن و تربیت شدن در وادی عرفان، اصل رازداری و فروتنی را از دل رابطه بین حروف و اعداد بعنوان ابزار خویش جسمیت بخشیده که اثری ماندگار، هنری و بی‌بدیل را به امانت گذاشته است و این همان معماری خلوت‌نشینی است که جلوت را به شکوه می‌نشیند.

پاسخ سوال سوم:



شکل (۲): بررسی نقوش و ابعاد گنبد مقبره شاه نعمت‌الله ولی

منبع: وینسنت کارلز، ۱۳۹۳.

از مرگ شاه نعمت‌الله و ساخت گنبد مرقد این عارف و عالم ربانی قرن‌ها می‌گذرد و بسیاری عاشقان و دلباختگان به این پیر طریقت سال‌ها به زیارت و دیدار مرقدش در ماهان سفر کرده‌اند اما متأسفانه کمتر کسی به کاشی‌کاری‌ها و

به ابعاد و اندازه‌های آن توجه کرده تا اینکه بالاخره چشمان تیزبین و نافذ یک جوان هلندی پا در وادی شهود و حقیقت نهاد و از این سر نهفته در دامن گنبد پرده برداشت. «وینسنت کارلرز» پژوهشگر و کارشناس ارشد ریاضی در دانشگاه اترخت^۱ هلند: بر اساس مطالعاتی که بر روی طرح گنبد فیروزه‌ای شاه نعمت‌الله ولی انجام داده پی می‌برد که این گنبد به ۱۱ قسمت مساوی تقسیم شده است. قاعده این ۱۱ قسمت در پایین گنبد و رئوس آنها در بالای گنبد در کنار یکدیگر قرار گرفته است. از نظر ریاضی، محیط دایره به‌طور معمول به قسمت‌های مساوی زوج تقسیم می‌شود، در صورتی که معمار و مهندس این گنبد عدد ۱۱ که یک عدد فرد است را برای تقسیم گنبد و طراحی آن انتخاب کرده که بدعتی جالب و بسیار حائز اهمیت بوده و از نظر علم ریاضی امری بسیار مشکل است، لازم است اساتید معماری و همچنین کاشی‌کاری ایران بررسی کنند که چطور این ۱۱ قسمت مساوی بر روی یک گنبد با یکدیگر جفت و جور شده است. بدون شک معماران آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی در زمان صفوی با این نوع طراحی و ساخت گنبد، قصد دادن پیامی خاص را داشته‌اند که این پیام باید کشف شود. با بررسی‌هایی که درباره عدد ۱۱ و حروف ابجد انجام داده متوجه می‌شود که عدد ۱۱ معادل کلمه «هو» به معنای «الله» است. احتمال می‌رود با توجه به اینکه شاه نعمت‌الله ولی یک عارف بزرگ و شناخته شده در زمان خود بوده، این کار برای نشان دادن اخلاص او در ایمان به خدا انجام شده است. از طرفی می‌دانیم که به خاطر در امان ماندن، پیروان این سلسله قرن‌ها با رمز و راز با یکدیگر ارتباط برقرار کرده تا به تیغ عریان جباران دینی سپرده نشوند زیرا بنا بر حروف ابجد علی (ع) (ع: ۷۰، ل: ۳۰ و ی: ۱۰)، مجموع آنها می‌شود ۱۱۰ که با جمع شدن با «هو» که معادل عدد ۱۱ در حروف ابجد است می‌شود «هو ۱۲۱». از این روی آن‌ها را «هو ۱۲۱» می‌نامند (ایرنا، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

مقبره شاه نعمت‌الله ولی در روزگاری ساخته شده است که شمشیر بران تعصب و جمود فکری به راحتی بر آن تاخته و از ویران کردنش کوچک‌ترین ترسی به دل نداشته، از این روی مهر از این بقعه برای در امان ماندنش با استفاده از رابطه حکمی بین اعداد و حروف ابجد محیط دایره‌ای گنبد ۳۶۰ درجه شاه نعمت‌الله را به ۱۱ قسمت مساوی تقسیم نموده که قاعده‌ی آن ۱۱ قسمت در پایین گنبد و رئوس آنها در بالای گنبد در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و می‌دانیم که عدد ۱۱ برابر با حروف ابجد معادل «هو» (ه: عدد ۵ و حرف و: عدد ۶) است که مجموع آنها می‌شود یازده (۱۱=۵+۶)؛ بی‌شک این هنرنمایی رندانه در تبدیل کردن حروف و اعداد به یک کالبد زیبا و با شکوه می‌تواند تجلی خلوت‌نشینی معمار اهل سلوکی باشد که سال‌ها این راز را در سینه حفظ کرده و با کشف شهودی این رابطه برای ارج نهادن به پیر طریقت خویش جلوتی را به جهانیان عرضه داشته تا سال‌ها عابدان و عاشقان این درگاه را به خویش مشغول نماید و این است هنر مهر از ایرانی که حکیمانه رابطه حکمی اعداد و حروف را کشف نموده و با خشت خامی که بالین همگان خواهد شد، شکوه و شوکت دل را جسمیت بخشده تا سالکین «هو ۱۲۱» که قرن‌ها مورد آزار و اذیت دگم‌اندیشان و حکام دینی بوده‌اند در سایه این هنرنمایی رندانه، خود و مقبره‌ی پیرشان در امانی ابدی قرار گیرد.

پیشنهادها

^۱. Utrecht

- با توجه به دامنه وسیع بین علم اعداد و حروف ابجد ضروری است که مہرازان، باستان شناسان و کاربران بناهای تاریخی از رابطه حکمی بین علم اعداد و حروف ابجد آشنایی بیشتری داشته و در راستای کشفیات تازه تر کوشش نمایند.

- توصیه می شود با توجه به تأثیر حکمی اعداد و رابطه آن با حروف ابجد بر تعداد نورگیرها، اتاق چله نشینی، ورودی و دیگر قسمت های بنای مذکور پرداخته و آنها را مورد پژوهش قرار دهند.

منابع

- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۷۹). «حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی». اصفهان: نشرخاک.
- ایرنا (۱۳۹۳). اصفهان، ۳۰ فروردین، ساعت ۱۱:۰۷. کد خبری ۸۱۱۲۸۱۲۰.
- پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۴)، سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: سروش دانش
- پیروزان، هادی. (۱۳۹۳). تحول اندیشه‌های طریقت نعمت‌اللهیه در رویارویی با دو جریان شریعت و سلطنت در عصر فتحعلی شاه قاجار. دوره شش. شماره ۱.
- پیروز، غلامرضا و باقری خلیلی، علی اکبر. (۱۳۸۶). راز و رازداری در عرفان مولوی. تاریخ ادبیات فارسی. شماره ۵۹/۳. از صفحه ۱۹ - ۲۲.
- حاجی عسکر، ندا. مومنی کورش. (۱۳۹۶). تجلی عدد ۴ در طرح معماری آتشکده های ایران. معماری و شهرسازی آرمان شهر. شماره ۲۱. صفحات ۲۸-۳۶.
- حضرت آقای حاج شیخ محمد حسن صالح علیشاه. (۱۳۸۴). انتشارات حقیقت. رساله شریفه پند صالح. (کتاب اصلی در سال ۱۳۱۸ منتشر شده است).
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه؛ قیومی زاده، فریبا. (۱۳۹۶). «بررسی کاربرد اعداد یک تا پنج در افسانه‌های مکتوب ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۲۴-۳۶.
- روزنامه شرق؛ شماره ۱۳۸۴/۱۱/۲۶، شماره ۶۹۸.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). در جستجوی تصوف ایرانی. انتشارات امیر کبیر. کتاب اصلی در سال ۱۳۵۷ منتشر شده است).
- زیبا کلام، صادق. (۱۳۷۹). ما چگونه ما شدیم؟. انتشارات روزنه. کتاب اصلی در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است).
- سایت مجذوبان نور، ۱۳۸۶/۰۹/۱۴ (www.magzoooban.org).
- سیاه کوهیان، هاتف. (۱۳۹۱). تأثیر عرفان اسلامی با تأکید بر تزیینات گنبد سلطانیه.
- شفیع سرارودی، مهرنوش. حسن‌نسب، مهسا. (۱۳۹۶). فصلنامه علمی پژوهشی نگره، شماره ۴۵ صفحه ۵۵-۵۶.
- صفاران، الیاس. (۱۳۸۹). «جزوه درس حکمت و هنر اسلامی». دانشگاه پیام‌نور.
- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- میرزاخانین، مریم. دکتر شاهرودی، فاطمه (۱۳۹۳). حکمت اعداد در تزیینات و ساختار مسجد شیخ لطف الله با تکیه بر حروف ابجد. فصل نامه علمی-پژوهشی نقش مایه، سال هشتم، شماره ۲۰، صفحات ۳۸-۳۳.
- مینوئی فرنوش، بلیلان لیداء، درخشان فرزاد، سلماسی وحید. (۱۳۹۳)، «بررسی سازه‌ای گنبد مساجد جامع در دوره‌های مختلف تاریخ ایران»، دوفصلنامه معماری و شهرسازی طرح و نماد، دوره ۶، شماره ۸، ۱۴۹-۱۵۶.
- نعمت‌پور، مریم. (۱۳۹۳). فرهنگ موضوعی دیوان شاه نعمت‌الله ولی.
- وثوق‌زاده، وحیده؛ حسنی‌پناه، محبوبه و عالیخانی، بابک؛ (۱۳۹۵). «حکمت عدد هشت در هنر و معماری اسلامی»، جاویدان خرد، سال ۱۲، شماره ۳۰؛ ۱۷۵-۱۷۹.

